

رابطه مؤلفه‌های هوش معنوی با وحدت اسلامی دانشجویان

عطیه بحرانی*

زهرا فروتنی**

چکیده

اهمیت و ضرورت حفظ وحدت اسلامی در جامعه ما به‌ویژه در برهه کنونی بر کسی پوشیده نیست. بر این اساس هدف از پژوهش حاضر سنجش رابطه مؤلفه‌های هوش معنوی با وحدت اسلامی است. روش تحقیق توصیفی-همبستگی از نوع کاربردی است. جامعه آماری تحقیق شامل دانشجویان دانشگاه پیام نور استان آذربایجان غربی در سال ۱۳۹۷ با ۵۰۰۰ دانشجویست. ابزار سنجش متغیرها، پرسشنامه است. از آزمون چولگی و کشیدگی جهت تشخیص نرمال بودن داده‌ها و از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون برای آزمون پپها استفاده شده است. یافته‌ها، رابطه مثبت و معنادار بین مؤلفه‌های هوش معنوی با وحدت اسلامی دانشجویان را تأیید می‌کند. همچنین نتایج پژوهش نشان می‌دهد مؤلفه‌های تفکر وجودی انتقادی، تولید معنای شخصی، آگاهی متعالی و گسترش خودآگاهی، به ترتیب ۶/۵، ۲۲، ۱۱ و ۲/۹ درصد از تغییرات در وحدت اسلامی را تبیین می‌کنند. براساس یافته‌های تحقیق می‌توان نتیجه گرفت که با تقویت مؤلفه‌های هوش معنوی، وحدت و انسجام اسلامی دانشجویان افزایش می‌یابد. **واژگان کلیدی:** هوش معنوی، وحدت اسلامی دانشجویان، دانشگاه پیام نور.

مقدمه و بیان مسئله

وحدت اسلامی از جمله مفاهیمی است که از سال‌های اولیه ظهور اسلام به آن توجه ویژه‌ای شد و در قرن اخیر به خصوص در دوره استعمار غرب و سیطره آن و ضعف شدید امت اسلامی در برابر استعمار اهمیت ویژه‌ای یافت. در دوره معاصر با توجه به وقایع جهان اسلام و پدیده جهانی شدن، وحدت اسلامی به شکلی دیگر و پررنگ‌تر مطرح می‌گردد. مسلمانان برای حفظ کیان خود و اشاعه فرهنگ اسلامی نیاز به اتحاد و همدلی دارند (وزیری، ۱۳۹۱، ص ۴۶). این امر به ویژه در جامعه ما که از قومیت‌ها و مذاهب مختلف تشکیل شده، از اهمیت بالایی برخوردار است، به ویژه در محیط‌های دانشگاهی به لحاظ تأثیرگذاری بیشتر دانشگاه‌ها بر عوامل فرهنگی و اجتماعی جامعه، دارای اهمیت مضاعف است. یکی از مقوله‌های مهمی که بررسی رابطه آن با وحدت اسلامی می‌تواند در روند وحدت اسلامی تأثیرگذار باشد، مقوله هوش معنوی است.

هوش معنوی^۱ یکی از مفاهیمی است که در پرتو توجه و علاقه روان‌شناسان حوزه دین و معنویت شکل گرفته است و به عنوان زیربنای باورهای فرد، نقش اساسی در زمینه‌های گوناگون به ویژه ارتقاء و تأمین سلامت روانی دارد و نیز به دلیل اهمیت نقش آن در شادی، بهداشت روانی، سلامت جسمانی، کارآمدی و مشارکت اجتماعی از مهمترین اولویت‌های روان‌شناسی است (یعقوبی، ۱۳۸۹، ص ۴۵). هوش معنوی نوعی از هوش است که افراد را قادر می‌سازد تا فعالیت‌های خود را در مسیری عمیق و معنادار هدایت کنند. از سوی دیگر به کارگیری الگوهای معنوی و دینی در زندگی روزمره، می‌تواند موجب افزایش سازگاری و بهزیستی شود (ضمیری‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۱۵). اسمیت (۲۰۰۴) معتقد است، هوش معنوی لازمه سازگاری بهتر با محیط است و افرادی که هوش معنوی بالاتری دارند، تحمل بیشتری در مقابل فشارهای زندگی داشته، توانایی بالاتری را برای سازگاری با محیط از خود بروز می‌دهند. این سازگاری با محیط و تحمل تفاوت‌ها لازمه وحدت اسلامی است.

بررسی مطالعات انجام شده درباره هوش معنوی نشان می‌دهد که در هیچ‌یک از آنها به طور مستقیم تأثیر هوش معنوی بر وحدت اسلامی دانشجویان مورد مطالعه قرار نگرفته و تحقیق حاضر از این لحاظ دارای نوآوری است. با توجه به خلأ تحقیقاتی موجود و نظر به اهمیت موضوع وحدت اسلامی و نیز با عنایت به اینکه دانشجویان می‌توانند کانون تغییرات عمده در جامعه باشند؛ بررسی نگرش و رفتار آنها برای رصد تغییرات آتی جامعه در حوزه همبستگی و یا گسستگی اجتماعی مهم است. این اهمیت در مناطقی مانند استان آذربایجان غربی که بافت جمعیتی آن متشکل از مذاهب

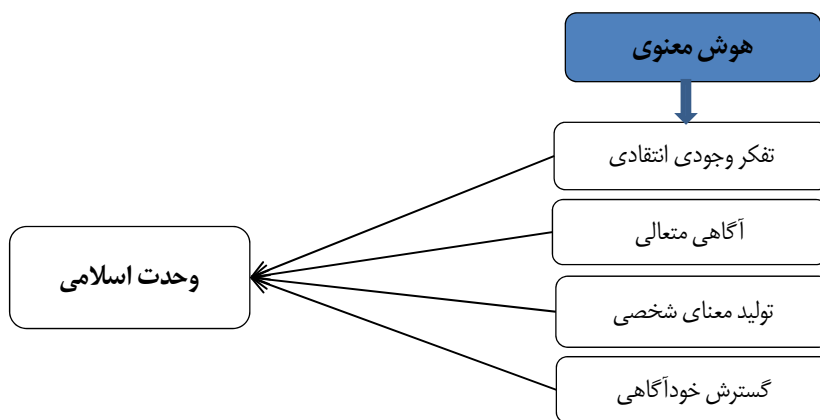
1. Spiritual Intelligence

و قومیت‌های مختلف است، به‌ویژه در محیط‌های دانشگاهی به لحاظ تأثیرگذاری بیشتر و زمینه‌های علمی، فرهنگی و اجتماعی، دارای اهمیت مضاعف است. از این رو با عنایت به ضرورت و اهمیت شناخت عوامل مؤثر بر وحدت و انسجام اسلامی، هدف تحقیق حاضر، بررسی رابطه مؤلفه‌های هوش معنوی با وحدت اسلامی دانشجویان دانشگاه پیام نور در استان آذربایجان غربی است.

فرضیه‌های تحقیق

براساس اهداف تحقیق فرضیه‌های زیر تدوین شد:

۱. مؤلفه‌های هوش معنوی: ۱. تفکر وجودی انتقادی؛ ۲. تولید معنای شخصی؛ ۳. آگاهی متعالی؛ ۴. گسترش خودآگاهی با وحدت اسلامی دانشجویان رابطه مثبت و معناداری دارد.
۲. مؤلفه‌های هوش معنوی: ۱. تفکر وجودی انتقادی؛ ۲. تولید معنای شخصی؛ ۳. آگاهی متعالی؛ ۴. گسترش خودآگاهی، وحدت اسلامی دانشجویان را پیش‌بینی و تبیین می‌کند. با عنایت به هدف و فرضیه‌های پژوهش، مدل مفهومی تحقیق طراحی شد (شکل ۱).



شکل ۱: مدل مفهومی تحقیق

پیشینه نظری و عملی پژوهش

هوش مفهومی است که انسان از دیرباز به پژوهش در مورد ابعاد، تظاهرات و انواع آن علاقه‌مند بوده است. کسلر^۱ هوش را شامل توانایی‌های فرد برای یک اقدام هدفمند، تفکر منطقی و برخورد مؤثر

1. Kessler.

با محیط تعریف کرد (حق شناس و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۱۰۱). یکی از ابعاد مهم هوش، هوش معنوی است. هوش معنوی تصور کامل هوش انسانی است که ظرفیت‌های سازگاری روانی فرد را افزایش می‌دهد و قادر است هوشیاری یا احساس پیوند با یک قدرت برتر یا یک وجود مقدس را تسهیل کند (دهقانی و فضل‌الهی قمشی، ۱۳۹۴، ص ۱۰۶). عبارت است از خودآگاهی عمیقی که در آن فرد هرچه بیشتر از جنبه‌های درونی خودآگاه می‌شود. توانایی به‌کارگیری و بروز ارزش‌های معنوی است؛ به‌گونه‌ای که موجب ارتقای کارکرد روزانه و سلامت جسمی و روحی فرد می‌شود. هوش معنوی کاربرد انطباقی اطلاعات معنوی در جهت حل مسئله در زندگی روزانه و فرایند دستیابی به هدف است (موسوی و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۶۵-۹۴) و افراد را قادر می‌سازد تا فعالیت‌های خود را در مسیری عمیق و معنادار هدایت کنند. یافته‌ها نشان می‌دهد، به‌کارگیری الگوهای معنوی و دینی در زندگی روزمره، می‌تواند موجب افزایش سازگاری و بهزیستی شود (ضمیری‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۱۵). هوش معنوی جنبه‌های بیرونی هوش را با جنبه‌های درونی معنویت تلفیق می‌کند و ظرفیت خارق‌العاده‌ای در فرد ایجاد می‌کند؛ به‌گونه‌ای که می‌تواند معنویت را به شکلی کاربردی مورد استفاده قرار دهد (سلیمانی و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۵۴۲). عبارت هوش معنوی در غرب اولین بار توسط زوهر و مارشال^۱ مطرح شد. آنها معتقدند هوش معنوی با یکپارچه کردن هوش عقلانی و هوش هیجانی، تعامل بین فرایندهای تفکر منطقی و هوش هیجانی را تسهیل می‌کند و می‌تواند موجب رشد و دگرگونی شخصی شود. هوش معنوی تصور کامل هوش انسانی است که ظرفیت‌های سازگاری روانی فرد را افزایش می‌دهد و قادر است هوشیاری یا احساس پیوند با یک قدرت برتر یا یک وجود مقدس را تسهیل کند (دهقانی و فضل‌الهی قمشی، ۱۳۹۴، ص ۱۰۶). از دیدگاه ایمونز^۲ (۲۰۰۰) هوش معنوی، کاربرد انطباقی اطلاعات معنوی در جهت حل مسئله در زندگی روزانه و فرایند دستیابی به هدف است. سیسک^۳ (۲۰۰۸) استفاده از شناخت درونی، جست‌وجو در جهت فهم خویشتن، استفاده از شهود، حساسیت به مسائل اجتماعی و اهداف زندگی، دغدغه نسبت به بی‌عدالتی، لذت بردن از سؤالات بزرگ، کنجکاو بودن در رابطه با اینکه جهان چگونه کار می‌کند، استفاده از تجسم و تصور فکری، مصلح بودن و تلاش برای فهم خویشتن را جزو ویژگی‌های هوش معنوی می‌شمارد (سیسک، ۲۰۰۸، ص ۲۷). به نظر می‌رسد هوش معنوی از روابط فیزیکی و شناختی فرد با محیط پیرامون خود فراتر رفته و وارد حیطه شهودی و متعالی دیدگاه فرد به زندگی خود می‌گردد. این دیدگاه شامل

1. Zohar & Marshall.

2. Emmons.

3. Sisk.

همه رویدادها و تجارب فرد می‌شود که تحت تأثیر یک نگاه کلی قرار گرفته‌اند. فرد می‌تواند از این هوش برای چارچوب دهی و تفسیر مجدد تجارب خود بهره‌گیرد. این فرایند قادر است از لحاظ پدیدارشناختی به رویدادها و تجارب فرد معنا و ارزش شخصی بیشتری بدهد (ناسل، ۲۰۰۴^۱، ص ۵۷). هوش معنوی با زندگی درونی ذهن و نفس^۲ و ارتباط آن با جهان رابطه دارد و ظرفیت فهم عمیق سؤالات وجودی و بینش نسبت به سطوح چندگانه هوشیاری را شامل می‌شود. بنابراین هوش معنوی چیزی بیش از توانایی ذهنی فردی است و فرد را به ماوراء فرد و به روح، مرتبط می‌کند. افزون بر این، هوش معنوی فراتر از رشد روان‌شناختی متعارف است. بدین جهت خودآگاهی شامل آگاهی از رابطه با موجود متعالی، افراد دیگر، زمین و همه موجودات می‌شود (وگهان، ۲۰۰۳^۳، ص ۴۵). یونگ معتقد است که در بسیاری از افراد پس از ۳۵ سالگی تغییرات عمده‌ای در ناخودآگاه صورت می‌گیرد که ممکن است در روند معنویت و هوش معنوی تأثیرگذار باشند. همچنین بعضی از محققان، از جمله یونگ، معتقدند که در زنان این تحول متفاوت از مردان صورت می‌گیرد (آمرام، ۲۰۰۵^۴، ص ۶۳). مصادیق هوش معنوی در آموزه‌های اسلام نیز بیشتر با مفاهیم و مصادیقی همخوانی دارد که بیانگر عنصر «توانایی» و در عین حال، عنصر «ارزشی و معنوی» است که «عقل» و «معنویت» را توحید بخشیده، در قالب هوش معنوی تجلی یافته است (سهرابی، ۱۳۹۶، ص ۵۰).

می‌توان گفت هوش معنوی که در قرآن در مورد صاحبان آن صفت اولوالالباب به‌کار رفته، فهم مسائل دینی و استنباط‌های درست فقهاتی را تسهیل می‌کند. به‌علاوه می‌تواند در فهم مسایل اخلاقی و ارزش آنها به افراد یاری رساند. باعث می‌شود افراد به جوهره حقیقت پی ببرند و از پرده‌های اوهام عبور کنند (غباری‌بناب و همکاران، ۱۳۸۶، ص ۱۳۷). «نوبل و وگان^۵» مؤلفه‌های هشت‌گانه درستی و صراحت، تمامیت، تواضع، مهربانی، سخاوت، تحمل، مقاومت و پایداری و تمایل به برطرف کردن نیازهای دیگران را نشان دهنده هوش معنوی رشد یافته می‌دانند (ناسل، ۲۰۰۴، ص ۸۴). می‌توان گفت فردی با هوش معنوی بالا، نگاهش به مردم به‌عنوان بندگان خدا، نگاهی سرشار از احترام است و ملاکش در برتری افراد، جایگاه اجتماعی آنان نیست، بلکه تقواری ملاک انتخاب انسان‌ها در پیشگاه خدای متعال می‌داند (خلیلی حسین‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۱۶۲).

1. Nasel.

2. Spirit.

3. Vaughan.

4. Amram.

5. Nobel & Vogan

کینگ^۱ (۲۰۰۸) هوش معنوی را مجموعه‌ای از ظرفیت‌های ذهنی تعریف کرده است که به هوشیاری، یکپارچگی و کاربرد انطباقی جنبه‌های معنوی و جهان مافوق وجودی شخص کمک می‌کند و به خروجی‌هایی مثل تفکر وجودی عمیق، افزایش معنا، شناسایی عالم مافوق و سلطه حالت‌های معنوی منجر می‌شود. مدل کینگ (۲۰۰۸) دارای چهار مؤلفه است که در تحقیق حاضر برای سنجش هوش معنوی از این مدل و مؤلفه‌های آن استفاده شده است:

- تفکر وجودی انتقادی:^۲ ظرفیت فکر کردن به صورت انتقادی در مورد ماهیت هستی، واقعیت، جهان، فضا، زمان، مرگ و دیگر موضوعات وجودی یا متافیزیکی.

- ایجاد معنای شخصی:^۳ مفهوم شخصی به صورت توانایی ایجاد مفهوم و هدف شخصی در تمامی تجارب فیزیکی و ذهنی شامل ظرفیت خلق و تسلط بر یک هدف زندگی تعریف شده است. «داشتن یک هدف در زندگی، داشتن درک درستی از مسیر، درک نظم و ترتیب و دلیلی برای موجودیت».

- آگاهی متعالی:^۴ یعنی ظرفیت شناخت و درک ابعاد برتر خود، دیگران و جهان مادی. تعالی نیز به «فراتر رفتن از تجارب معمولی و مادی انسان» یا «وجودی که جدا از دنیای مادی است و در معرض محدودیت دنیای مادی قرار نمی‌گیرد» اشاره دارد.

- گسترش خودآگاهی:^۵ توانایی ورود به مراحل بالاتر هوشیاری از جمله هوشیاری خالص، کیهانی، وحدت و یگانگی. بین آگاهی و هوشیاری تفاوت هست. هوشیاری حالت پیچیده‌تری دارد و آگاهی الگو یافته در ساختار مغز می‌باشد.

به نظر کینگ هوش معنوی به دلیل پیوندش با معنا، ارزش و پرورش تخیل می‌تواند به انسان توان تغییر و تحول بدهد. فردی با هوش معنوی بالا دارای انعطاف و ظرفیت بالایی برای روبه‌رو شدن با دشواری‌ها و سختی‌ها و حتی فراتر از آن، ظرفیتی برای الهام و شهود، نگرش کلی‌نگر به جهان هستی و جست‌وجوی پاسخ برای پرسش‌های بنیادی زندگی و نقد سنت‌ها و آداب و رسوم است (کینگ، ۲۰۰۸، ص ۵۷-۷۳).

متغیر دوم تحقیق وحدت اسلامی است. وحدت در لغت به معنای انسجام، یگانگی، یکپارچگی و یکی شدن است. وحدت اسلامی به معنی نزدیک شدن فرقه‌های اسلامی به یکدیگر، با حفظ کیان و ماهیت آنهاست و این به معنی تحفظ بر اصول مشترک و آزاد گذاردن و معذور

1. King

2. Critical Existential Thinking.

3. Personal Meaning Production.

4. Transcendental Awareness.

5. Conscious State Expansion.

داشتن هر فرقه در فروع خاصه خود است که راه رسیدن به این هدف، تکیه کردن بر عقل و منطق و دوری گزیدن از احساسات زودگذر و تعصبات غیرقابل کنترل است (خومحمدی، ۱۳۸۵، ص ۴۵). مقوله وحدت و انسجام اسلامی، از مهم‌ترین آرمان‌های هر مسلمان آزاده و مورد توجه مصلحان و عالمان زیادی از شیعه و سنی بوده است. از جمله این بزرگان، می‌توان از آیت‌الله تسخیری، شیخ محمد عبده، سیدجمال‌الدین اسدآبادی، آیت‌الله بروجردی، شیخ شلتوت، سیدقطب، امام خمینی رحمته‌الله و مقام معظم رهبری نام برد. وحدت و همبستگی، امری فطری، عقلی، شرعی، سیاسی، اجتماعی و از مهم‌ترین عوامل حفظ و بقای اجتماع انسانی است. انسان‌ها نه تنها برای بقای حیات جمعی، بلکه برای برخورداری از یک زندگی مطلوب، چاره‌ای جز پذیرش وحدت و انسجام اجتماعی ندارند. افزون بر آن، حفظ اتحاد و همبستگی ملت‌ها و مذاهب اسلامی به‌ویژه در شرایط کنونی که دشمنان اسلام از هر سو مسلمانان را تحت فشار قرار داده‌اند، ضروری‌ترین نیاز مسلمانان برای حفظ موجودیت و قدرت اسلام و مسلمانان حول محور اعتقادات و مقدسات مشترک است. سیادت و عظمت مسلمانان در گذشته به‌خاطر وحدت و یکپارچگی مسلمانان و مشکلات امروز آنها به خاطر اختلاف آنان است. استعمارگران برای تضعیف اسلام و امت اسلامی، همواره درصدد شکستن این اتحاد برآمده‌اند. مردمی که خدا، دین، رسول، قبله و قرآن سنگ بنای عقاید دینی آنهاست، باید این مقدسات را مایه و پایه اتحاد و همبستگی خود بدانند. قرآن کریم ضمن آنکه با ذکر «امت» و «امت واحده» همگان را به همگرایی و همبستگی فراخوانده، از وحدت به‌عنوان نعمت، یاد می‌کند: «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا...». «همگی به ریسمان خدا چنگ زیند و پراکنده نشوید و نعمت خدا را برخورد به یادآورید که چگونه دشمن یکدیگر بودید و او در میان شما الفت ایجاد کرد و به برکت نعمت او برادر شدید» (آل‌عمران، ۱۰۳). خداوند، امت اسلامی را از هرگونه اختلاف و تفرقه نهی کرده؛ زیرا موجب سستی و ضعف آنها گشته که نتیجه آن چیره شدن دشمنان بر مسلمانان است؛ چنانچه که می‌فرماید: «وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ» و همه پیرو فرمان خدا و رسول باشید و هرگز راه اختلاف و تنازع نیویید که در اثر تفرقه ضعیف شده و قدرت و عظمت شما نابود خواهد شد (انفال، ۴۶) و نیز می‌فرماید: «وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُشْرِكِينَ مِنَ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيعًا كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ». «و هرگز از فرقه مشرکان نباشید؛ از آنان که دین خود را پراکنده ساختند و فرقه فرقه شدند و هر گروهی به آنچه دارند دلشادند» (روم، ۳۱-۳۲). آیت‌الله مکارم شیرازی در تفسیر این آیه می‌فرماید، یکی از نشانه‌های شرک، پراکندگی و تفرقه است؛ چرا که معبودهای مختلف منشأ روش‌های متفاوت و سرچشمه جدایی‌ها و پراکندگی‌ها هستند، به‌خصوص اینکه شرک همواره توأم

با هوای نفس، تعصب، کبر، خودخواهی، خودپسندی و مولود آن است، بنابراین اتحاد و وحدت جز در سایه خداپرستی، عقل، تواضع و ایثار امکان‌پذیر نیست (شافعی‌پور، ۱۳۹۷، ص ۱۲). پیامبر اعظم اسلام نیز همواره مسلمانان را به حفظ وحدت و پرهیز از تفرقه سفارش کرده، فرمودند: «ای مردم با جماعت باشید که دست خدا با جماعت است و هرگز متفرق نشوید» (متقی، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۲۰۶). آن حضرت جامعه اسلام را به پیکر واحد تشبیه کرده و می‌فرماید: «داستان مؤمنان در همگامی و مهربانی نسبت به هم، چون داستان یک پیکر است. هنگامی که بعضی از اعضای انسان دچار رنجی می‌گردد، سایر اعضای بدن انسان واکنش نشان داده و دچار ناراحتی می‌گردند» (مجلسی، ج ۱۵، ص ۲۸۷). امیرمؤمنان علی (علیه السلام) که در سایه مکتب پیامبر خدا تربیت شده و دستورات اسلامی را از ایشان فراگرفته بود، تکامل مادی و معنوی امت اسلامی را در انسجام و اتحاد اسلامی دانستند و با رفتارهای سیاسی، اجتماعی و مذهبی خویش درصدد اتحاد هرچه بیشتر جامعه اسلامی بودند. امام هدی جز از میان برداشتن شکاف امت‌ها و هموار کردن راه رشد آنها نداشتند. چنانچه فرمودند: «بدان هیچ‌کس از من بر اتحاد و همبستگی در امت محمد (صلی الله علیه و آله) حریص‌تر نیست». امام علی (علیه السلام) در خطبه ۱۹۲ نهج‌البلاغه، اتحاد میان مسلمانان را موهبتی بی‌بدیل از جانب خداوند می‌داند و می‌فرماید: «آگاه باشید! که شما دست از رشته اطاعت کشیده و با زنده کردن ارزش‌های عصر جاهلیت، دژ محکم الهی را درهم شکستید؛ در حالی که خداوند بر این امت اسلامی، بر وحدت و برادری منت گزارد بود که در سایه آن زندگی کنند؛ نعمتی که هیچ‌کس نمی‌تواند بهای آن را تعیین نماید؛ زیرا از هر ارزشی برتر و از هر کرامتی والاتر است» (سید رضی، ۱۳۷۹، ترجمه محمد دشتی، ص ۳۹۷ و ۶۱۸). امام در خطبه ۱۷۶ می‌فرماید: «از چنددستگی در دین حذر کنید، که همبستگی و وحدت در راه حق، گرچه کراهت داشته باشید، از پراکندگی در راه باطل، گرچه مورد علاقه شما باشد، بهتر است؛ زیرا خداوند سبحان نه به گذشتگان و نه آیندگان، چیزی را به تفرقه عطا نفرموده است». چنانچه خود حضرت نیز در زمان حکومت خلفای نخستین اسلام، در نمازهای ایشان حاضر می‌شد و برای حمایت از دین با آنان همراهی می‌کرد و همراه آنها به جنگ دشمنان دین می‌رفت (مجلسی، ج ۱۵، ص ۳۰۹). امام در خطبه ۱۸ با عبارت «کتابهم واحد»، اهمیت قرآن را در ایجاد وحدت یادآور می‌شود و در خطبه ۱۹۲ وحدت میان مسلمانان را رهاورد بعثت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) می‌داند.

بررسی پیشینه تجربی پژوهش نشان می‌دهد، خوشه چراغ‌آرانی (۱۳۸۶) در پژوهش خود با عنوان «واژه حبل‌الله و نقش تمسک به آن در ایجاد وحدت ملی و انسجام اسلامی» نقش پیامبر، اهل بیت، و قرآن را به عنوان مصادیق حبل‌الله در وحدت و انسجام اسلامی مورد بررسی قرار داده و شافعی‌پور (۱۳۹۷) در تحقیقی با عنوان «بررسی واژه اعتصام در تفاسیر قرآنی فریقین و ثمرات آن

در ایجاد وحدت و نفی تفرقه با تأکید بر اعتصام به حبل‌الله» نتیجه گرفته است که اعتصام به حبل‌الله راهی برای نیرومند شدن، قوت گرفتن، اطاعت از خداوند، وحدت امت اسلامی و عزت مسلمانان است و در مقابل تفرقه، تنازع و اختلاف سببی برای متفرق شدن امت اسلامی، ضعف و سستی آنها و در نتیجه، غلبه دشمنان بر آنان است. میکائیلی (۱۳۹۵) در مطالعه رابطه دینداری، هوش معنوی و بخشش با سازگاری اجتماعی دانشجویان نتیجه گرفته متغیرهای دینداری، هوش معنوی و بخشندگی نقش تعیین‌کننده‌ای در تطابق دانشجویان سال اول با محیط دانشگاه و حل مسائل و مشکلات آن دارند. براساس نتایج مطالعه نودری (۱۳۹۵) با عنوان بررسی رابطه بین هوش معنوی، تاب‌آوری و همدلی در دانشجویان دختر دانشگاه محقق اردبیلی، مشخص شد هوش معنوی به‌عنوان توانایی سازگاری و حل مسئله با ایجاد زمینه جهت یکپارچگی و وحدت عوامل بیرونی و درونی می‌تواند بر توانایی دانشجویان در مواجهه با عوامل فشارزای زندگی مؤثر واقع شود و نیز بین جهت‌گیری مذهبی درونی و همدلی رابطه معناداری وجود دارد و فراهم نمودن عوامل حمایتی (مانند مذهب و معنویت) موجب افزایش تاب‌آوری و همدلی می‌شود. همچنین نتایج پژوهش عسگری (۱۳۹۴) نشان داد که رابطه بین متغیرهای هوش معنوی و جهت‌گیری مذهبی با بهزیستی روان‌شناختی دانشجویان کاملاً معنادار است.

روش‌شناسی

هدف از این پژوهش، سنجش رابطه مؤلفه‌های هوش معنوی با وحدت اسلامی است. این پژوهش از این لحاظ که نتایج مورد انتظار آن می‌تواند مورد استفاده قرار بگیرد، کاربردی و از لحاظ روش توصیفی پیمایشی است. جامعه آماری تحقیق شامل دانشجویان دانشگاه پیام نور استان آذربایجان غربی در سال ۱۳۹۷ شامل ۵۰۰۰ دانشجویست. براساس جدول مورگان تعداد نمونه‌ها ۳۵۷ نفر به‌دست آمد؛ ولی برای اعتبار بیشتر تحقیق به دلیل احتمال ریزش نمونه‌ها، تعداد ۳۸۰ نفر انتخاب شد که از این تعداد، ۳۷۳ پرسشنامه تکمیل و عودت داده شد. نمونه‌ها به‌روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای از بین شهرهای شمالی و جنوبی و مرکزی استان انتخاب شد. ابزار سنجش داده‌ها، پرسشنامه است مقیاس سنجش هوش معنوی، پرسشنامه کینگ (۲۰۰۸) است که به‌وسیله سهرابی و ناصری (۱۳۸۷) بومی‌سازی شده و در پژوهش رقیبی و همکاران (۱۳۸۹) پایایی این مقیاس با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۸ برآورد شده و روایی صوری و محتوایی آن مورد تأیید قرار گرفته است. در تحقیق حاضر نیز این ضریب ۰/۷۷ برآورد شد. این پرسشنامه دارای ۲۴ گویه است و در طیف پنج‌گزینه‌ای لیکرت (کاملاً مخالفم، مخالفم، مخالفم، گه‌گاهی، موافقم، کاملاً موافقم)

تنظیم شده و شامل چهار مؤلفه تفکر وجودی انتقادی، ایجاد معنای شخصی، آگاهی متعالی و گسترش خودآگاهی است. زیرمقیاس های این پرسشنامه به صورت زیر محاسبه می شود:

تفکر وجودی انتقادی: دارای ۷ گویه و نمره کل آن بین ۰ تا ۲۸ است. ایجاد معنای شخصی: دارای ۵ گویه و نمره کل آن بین ۰ تا ۲۰ است. آگاهی متعالی: دارای ۷ گویه و نمره کل آن بین ۰ تا ۲۸ است. گسترش خودآگاهی دارای ۵ گویه و نمره آن بین ۰ تا ۲۰ است. برای سنجش متغیر وحدت اسلامی، پرسشنامه محقق ساخته با استفاده از پیشینه و مبانی نظری تحقیق طراحی شد که دارای ۱۵ گویه است. روایی این پرسشنامه از سوی اساتید رشته مدیریت، علوم تربیتی و روان شناسی تأیید شد. به منظور تعیین پایایی ابزار از روش ضریب آلفای کرونباخ استفاده گردید. ضریب آلفای کرونباخ به دست آمده نیز بزرگتر از ۰/۸۱ بود که نشان دهنده همبستگی درونی بین متغیرها برای سنجش مفاهیم مورد نظر است و لذا ابزار تحقیق از قابلیت اعتماد و پایایی لازم برخوردار است. برای سنجش نرمال بودن توزیع داده ها از آزمون چولگی و کشیدگی و برای تجزیه و تحلیل داده ها و آزمون فرضیه ها از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون خطی استفاده شد.

یافته ها

طبق یافته های جمعیت شناختی، اکثر دانشجویان مورد مطالعه مرد (۰/۵۹)، مجرد (۰/۷۰) و زیر ۲۲ سال (۰/۶۸) بودند. به منظور تعیین نرمال بودن یا نبودن توزیع نمونه آماری، آزمون چولگی و کشیدگی انجام شد. علت استفاده از این آزمون برای بررسی نرمال بودن این است که در حجم نمونه پایین و کمتر از ۵۰۰۰، آزمون چولگی و کشیدگی مناسب تر از آزمون کلموگروف اسمیرنوف^۱ است. مقدار چولگی مشاهده شده برای متغیرهای مورد مطالعه در بازه (۲، -۲) قرار دارد. یعنی از لحاظ کجی متغیرهای پژوهش نرمال بوده و توزیع آن متقارن است. مقدار کشیدگی متغیرها نیز در بازه (۲، -۲) قرار دارد. این نشان می دهد توزیع متغیرها از کشیدگی نرمال برخوردار است (جدول ۱).

1. Kolmogorov-Smimov

جدول ۱: نتایج آزمون چولگی و کشیدگی

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف معیار	چولگی		کشیدگی	
				خطا	آماره	خطا	آماره
وحدت اسلامی	۳۷۳	۳/۴۳۷۲۵	۰/۲۷۵۷	۰/۱۲۶	-۰/۳۸۳	-۰/۷۳۳	۰/۲۵۲
تفکر وجودی و نقدی	۳۷۳	۳/۵۱۸۲۵	۰/۵۳۲۸۷۵	۰/۱۲۶	-۰/۵۵۶	-۱/۰۱۳	۰/۲۵۲
تولید معنای شخصی	۳۷۳	۳/۲۹۷	۰/۳۰۸۹	۰/۱۲۶	-۰/۰۶۳	-۱/۰۰۹	۰/۲۵۲
آگاهی متعالی	۳۷۳	۳/۶۲۹	۰/۲۶۶	۰/۱۲۶	۰/۴۵۷	-۰/۴۰۲	۰/۲۵۲
بسط حالت هشیاری	۳۷۳	۳/۳۰۵	۰/۴۱۴۷	۰/۱۲۶	۰/۶۲۰	-۰/۶۸۱	۰/۲۵۲

آزمون فرضیه اول: مؤلفه‌های هوش معنوی: ۱. تفکر وجودی انتقادی، ۲. تولید معنای شخصی، ۳. آگاهی متعالی، ۴. گسترش خودآگاهی با وحدت اسلامی دانشجویان رابطه مثبت و معناداری دارد.

به دلیل نرمال بودن توزیع داده‌ها براساس نتایج آزمون کشیدگی و چولگی، جهت بررسی رابطه بین متغیرها از آزمون پارامتریک ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد که نتایج آن در جدول ۲ مشاهده می‌شود.

جدول ۲: نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون

نتیجه	ضریب همبستگی	sig	فرضیه
تأیید	۰/۲۵۶	۰/۰۰۱	رابطه تفکر وجودی انتقادی با وحدت اسلامی
تأیید	۰/۴۶۹	۰/۰۰۱	رابطه تولید معنای شخصی با وحدت اسلامی
تأیید	۰/۳۳۲	۰/۰۰۱	رابطه آگاهی متعالی با وحدت اسلامی
تأیید	۰/۱۷۰	۰/۰۰۱	رابطه گسترش خودآگاهی با وحدت اسلامی

یافته‌های پژوهش، رابطه بین ابعاد چهارگانه هوش معنوی با وحدت اسلامی را تأیید کرد. مطابق داده‌های جدول ۲ و با عنایت به مقدار sig در سطح معناداری ۰/۰۱ بین ابعاد متغیر هوش معنوی با وحدت اسلامی دانشجویان در جامعه هدف، رابطه مستقیم، مثبت و معناداری وجود دارد؛ یعنی با اطمینان ۰/۹۹ رابطه مستقیم بین این متغیرها معنادار است.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه اول، وجود رابطه مثبت، مستقیم و معنادار ($r=0/256$) بین مؤلفه تفکر وجودی انتقادی و وحدت اسلامی دانشجویان در جامعه آماری پژوهش را تأیید کرد.

همچنین وجود رابطه مثبت، مستقیم و معنادار ($r=0/469$) بین مؤلفه تولید معنای شخصی و وحدت اسلامی دانشجویان در جامعه آماری پژوهش تأیید شد. یافته‌های تحقیق، وجود رابطه مثبت، مستقیم و معنادار ($r=0/332$) بین مؤلفه آگاهی متعالی و گسترش خودآگاهی ($r=0/170$) با وحدت اسلامی دانشجویان در جامعه آماری پژوهش را نیز تأیید کرد.

آزمون فرضیه دوم: مؤلفه‌های هوش معنوی: ۱. تفکر وجودی انتقادی، ۲. تولید معنای شخصی، ۳. آگاهی متعالی، ۴. گسترش خودآگاهی، وحدت اسلامی دانشجویان را پیش‌بینی و تبیین می‌کند.

برای سنجش میزان تأثیر مؤلفه‌های متغیر ملاک بر متغیر پیش‌بین، از آزمون رگرسیون خطی برای تک‌تک مؤلفه‌های هوش معنوی استفاده و نتایج در جدول ۳ تجمیع شد.

جدول ۳: نتایج آزمون رگرسیون بین متغیرهای تحقیق

F	ضرایب رگرسیون B	آماره		ضریب همبستگی چندگانه R	متغیر پیش‌بین	متغیر ملاک
		سطح معنی‌داری	ضریب تعیین R2			
۲۵/۹۴۳	$B=0/256$ $t=5/093$ $0/001$	0/001	0/065	0/256a	تفکر وجودی انتقادی	وحدت اسلامی
۱۰۴/۷۲۸	$B=0/469$ $t=10/234$	0/001	0/220	0/249a	تولید معنای شخصی	وحدت اسلامی
۴۵/۹۶۹	$B=0/332$ $t=6/760$	0/001	0/110	0/332a	آگاهی متعالی	وحدت اسلامی
۱۱/۰۳۱	$B=0/148$ $t=3/221$	0/001	0/029	0/170a	گسترش خودآگاهی	وحدت اسلامی

با توجه به اینکه در این آزمون سطح معناداری sig کمتر از 0/01 و مقدار آماره T متغیرها بیشتر از 1/96 و مثبت است، با اطمینان ۹۹ درصد فرضیه دوم تحقیق نیز تأیید می‌شود و میتوان گفت که در جامعه آماری تحقیق، مؤلفه‌های هوش معنوی بر وحدت اسلامی تأثیر مثبت و معنادار دارند و آن را پیش‌بینی و تبیین می‌کنند. مطابق داده‌های جدول ۳، ضریب تعیین (R^2) مؤلفه‌های هوش معنوی، یعنی درصدی از واریانس متغیر وابسته که توسط متغیرهای مستقل تبیین می‌شود، به ترتیب برای مؤلفه تفکر وجودی انتقادی مساوی 0/065 است؛ برای مؤلفه تولید معنای شخصی برابر با 0/220؛ برای مؤلفه آگاهی متعالی برابر با 0/110 و برای مؤلفه گسترش خودآگاهی برابر با 0/029 است.

براساس یافته‌ها، مؤلفه‌های تولید معنای شخصی با ($R^2 = 0/220$ و $B = 0/469$) و آگاهی متعالی با ($R^2 = 0/110$ و $B = 0/332$) به ترتیب بیشترین تأثیر را بر وحدت اسلامی جامعه هدف دارند.

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش، رابطه بین ابعاد چهارگانه هوش معنوی با وحدت اسلامی را تأیید کرد. مطابق داده‌های حاصل از آزمون فرضیه اول تحقیق، بین ابعاد متغیر هوش معنوی با وحدت اسلامی دانشجویان در جامعه هدف، رابطه مستقیم، مثبت و معناداری وجود دارد؛ یعنی با اطمینان $0/99$ رابطه همبستگی مثبت بین این متغیرها معنادار است و می‌توان نتیجه گرفت که با افزایش مؤلفه‌های هوش معنوی، وحدت اسلامی دانشجویان نیز افزایش می‌یابد. مقادیر این همبستگی در جدول ۲ قابل مشاهده است.

- براساس نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم، مؤلفه‌های هوش معنوی در مجموع $42/4$ درصد از تغییرات در وحدت اسلامی دانشجویان جامعه هدف را پیش‌بینی و تبیین می‌کنند. براساس نتایج به‌دست آمده، مؤلفه تولید معنای شخصی بیشترین تأثیر را بر وحدت اسلامی جامعه هدف دارد. در راستای تحلیل این نتایج می‌توان گفت، از آنجا که مؤلفه «تفکر انتقادی» تلاش برای ایجاد ارزشیابی‌های منطقی و قابل اطمینان است، از طریق استدلال افراد در مورد مصلحت و پیشرفت امت اسلامی، می‌تواند بر وحدت اسلامی مؤثر باشد. همچنین از آنجا که منظور از مؤلفه «تولید معنای شخصی»، توانایی افراد در خلق معنا و هدف شخصی در همه تجارب جسمانی و روانی شامل ظرفیت خلق و تسلط یافتن به مقصود زندگی است؛ وقتی فرد توانسته باشد بین زندگی و معنویت تعادل ایجاد کند، بی‌شک می‌تواند درک بهتری از اهمیت و ضرورت وحدت اسلامی در جامعه مسلمان داشته باشد و لذا وحدت و دوری از کشمکش‌های مذهبی را بهترین راه حل برای زندگی سعادت‌مند می‌داند. در راستای تحلیل نتایج سومین مؤلفه می‌توان گفت، از آنجا که «آگاهی متعالی» به درک ابعاد برتر خود، دیگران و جهان مادی اشاره دارد؛ افراد با آگاهی متعالی برخلاف کسانی که با ناآگاهی خود را از نظر دینی و مطالعات مذهبی برتر از دیگران دانسته و با تعصب‌های بیجا به وحدت اسلامی لطمه وارد می‌کنند. می‌توانند خود را از پرداختن به این حواشی و تعصبات بیجا حفظ کنند و اجازه ندهند به وحدت اسلامی بین مذاهب مختلف خدشه وارد شود. همچنین چهارمین مؤلفه هوش معنوی یعنی «گسترش خودآگاهی» در افراد، بینش بالا و معرفت و شناخت ایجاد می‌کند و لذا درک حساسیت وحدت اسلامی و تعامل بین مذاهب برای این افراد بسیار مهم

است. در کل می‌توان گفت که مؤلفه‌های هوش معنوی با افزایش شناخت و آگاهی از اسلام، خدا و رسالت ادیان و افزایش همدلی و یگانگی کلمه در افراد باعث بهبود و افزایش وحدت اسلامی می‌شوند.

با توجه به اینکه در تحقیق حاضر رابطه معنادار بین همه مؤلفه‌های هوش معنوی با وحدت اسلامی تأیید شد و نیز این مؤلفه‌ها توانستند، در مجموع ۴۲/۴ درصد از تغییرات وحدت اسلامی را تبیین کنند؛ می‌توان نتیجه گرفت که متغیر هوش معنوی و مؤلفه‌های آن بر وحدت اسلامی دانشجویان دانشگاه پیام نور در جامعه هدف، تأثیر مستقیم و معناداری دارد. این نتایج با نتایج میکائیلی منیع و همکاران (۱۳۹۵) و نوذری (۱۳۹۵) همخوانی دارد. براساس نتایج تحقیق میکائیلی منیع و همکاران (۱۳۹۵) متغیرهای دینداری و هوش معنوی و بخشندگی می‌توانند سازگاری اجتماعی را به شکل معناداری پیش بینی کنند. از این رو، می‌توان نتیجه گرفت باورهای دینی نیرومند، پایبندی به شعائر دینی، اشتیاق به انجام عمل دینی، تفکر تأملی، هشیاری ذهنی، عفو و گذشت در روابط بین فردی، تشخیص الگوهای معنوی و تنظیم رفتار بر مبنای الگوی معنوی، تشخیص کرامت و ارزش فردی و حفظ و رشد شکوفایی این کرامت، تشخیص فرایند رشد معنوی و تنظیم عوامل درونی و بیرونی در جهت رشد بهینه این فرایند، تشخیص معنای زندگی و حوادث مربوط به حیات، مرگ و برزخ، بهشت و دوزخ، درک حضور خداوند در زندگی معمولی، درک زیبایی‌های هنری و طبیعی و ایجاد حس قدردانی و تشکر، بخشش خود و دیگران می‌توانند به سازگاری اجتماعی دانشجویان کمک کنند. نتایج مطالعه نوذری (۱۳۹۵) نیز با عنوان بررسی رابطه بین هوش معنوی، تاب‌آوری و همدلی در دانشجویان دختر دانشگاه محقق اردبیلی، نشان داد، هوش معنوی به‌عنوان توانایی سازگاری و حل مسئله با ایجاد زمینه جهت یکپارچگی و وحدت عوامل بیرونی و درونی می‌تواند بر توانایی دانشجویان در مواجهه با عوامل فشارزای زندگی مؤثر واقع شود. چنانچه اسمیت (۲۰۰۴) نیز معتقد است افرادی که هوش معنوی بالاتری دارند، توانایی بالاتری برای سازگاری با محیط دارند. براساس یافته‌های تحقیق حاضر در یک جمع‌بندی کلی می‌توان نتیجه گرفت که با تقویت مؤلفه‌های هوش معنوی می‌توان وحدت اسلامی دانشجویان را تقویت کرد.

پیشنهادها و محدودیت‌ها

در راستای نتایج این تحقیق پیشنهاد می‌شود، برای افزایش همگرایی و وحدت و انسجام اسلامی در میان دانشجویان، شناخت و آگاهی آنها در مورد مسائل دینی و معنوی، به‌ویژه آگاهی در مورد

مشترکات مذاهب مختلف اسلامی، تقویت شود. به نظر می‌رسد می‌توان با گنجاندن سر فصل‌های مرتبط با این مقوله‌ها در دروس معارف و دین و زندگی نگرش‌های دانش‌آموزان را در این راستا تقویت و جهت داد. از آنجا که هوش معنوی جنبه‌ای از معنویت می‌باشد برای تقویت آن باید معنویت افراد افزایش یابد؛ برای این کار توصیه می‌شود، با آموزش‌های برنامه‌ریزی شده، از طرق مختلف نظیر چاپ بروشورهای مفید و پرمحتوا، تدارک کنفرانس‌های علمی با محوریت هوش معنوی و معنویت در محیط‌های آموزشی، محورهای وحدت و انسجام اسلامی را هرچه بیشتر تقویت کرد. برگزاری جلسات بحث آزاد و کرسی‌های آزاداندیشی نیز برای تعاطی افکار و تعمق و تفکر بیشتر در این زمینه می‌تواند مفید و مؤثر باشد. همچنین با برگزاری اردوها و دوره‌های بین دانشجویان با مذاهب مختلف، می‌توان زمینه آگاهی و تعامل بیشتر بین دانشجویان با مذاهب مختلف و افزایش همدلی و همگرایی آنها را فراهم ساخت. با برگزاری جلسات و کارگاه‌های آموزشی با تأکید و تمرکز بر مشترکات مذاهب اسلامی نظیر توحید، نبوت، معاد و قرآن، نیز می‌توان زمینه وحدت و انسجام بیشتر و پرهیز از تعصب‌های بی‌دلیل را فراهم کرد. به‌عنوان پیشنهاد پژوهشی، علاقمندان می‌توانند در تحقیقات بعدی، میزان تأثیر هوش معنوی بر وحدت اسلامی دانشجویان را براساس تفاوت‌های جمعیت‌شناختی مثل جنسیت، تاهل، سن و مقطع تحصیلی مورد مطالعه قرار دهند. همچنین در زمینه تأثیر بافت فرهنگی محیطی بر میزان هوش معنوی و نیز راهکارهای ارتقا هوش معنوی و نیز نقش دیگر عوامل مؤثر بر افزایش وحدت اسلامی مطالعه کنند. تأثیر هوش معنوی بر وحدت اسلامی در سایر مراکز آموزشی و مقایسه نتایج آن با نتایج تحقیق فعلی نیز پیشنهاد می‌شود. در این تحقیق از مؤلفه‌های هوش معنوی کینگ استفاده شده، توصیه می‌شود علاقمندان برای شناسایی و استخراج مؤلفه‌های هوش معنوی، با محوریت مبانی و جهان‌بینی اسلامی، به مطالعه عمیق و دقیق در منابع دینی، به‌خصوص قرآن و نهج‌البلاغه اقدام کنند. از آنجا که در این تحقیق برای سنجش هوش معنوی فقط از مؤلفه‌های هوش معنوی کینگ استفاده شده، این امر به‌عنوان محدودیت این تحقیق ارزیابی می‌شود. همچنین محدود بودن قلمرو مکانی تحقیق که موجب می‌شود، تعمیم نتایج به سایر مراکز آموزشی با احتیاط انجام شود.

منابع

۱. امام علی (علیه السلام)، تألیف سیدرضی (۱۳۷۹)، نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم: انتشارات مشهور.
۲. حق شناس، مرتضی؛ سیدآرش اکابری و منصوره صالحی (۱۳۸۹)، «بررسی رابطه هوش معنوی و سبک‌های دلبستگی دانشجویان»، اخلاق پزشکی، س ۴، ش ۴، ص ۱۶۸-۱۸۱.
۳. خلیلی حسین‌آبادی، سیدحسن و همکاران (۱۳۹۴)، «تأثیر هوش معنوی در ارتقاء عملکرد شغلی کارکنان پلیس»، بصیرت و تربیت اسلامی، س ۱۲، ش ۳۳، ص ۱۳۳-۱۶۱.
۴. خوشه چراغ‌آرانی، علی (۱۳۸۶)، «واژه حبل‌الله و نقش تمسک به آن در ایجاد وحدت ملی و انسجام اسلامی»، مجموعه مقالات همایش منطقه‌ای اتحاد و انسجام اسلامی در آموزه‌های قرآنی، آستارا.
۵. خومحمدی، سعید (۱۳۸۵)، «وحدت اسلامی یا وفاق تشیع و تسنن در سخنان امام علی (علیه السلام)»، پژوهش‌های نهج البلاغه، ش ۱۵.
۶. دهقانی، مه‌ری و سیف‌الله فضل‌اللهی قمشی (۱۳۹۴)، «بررسی رابطه بین هوش معنوی و تعهد سازمانی دبیران»، مطالعات اسلام و روان‌شناسی، دوره ۹، ش ۱۷، ص ۱۰۵-۱۳۲.
۷. رقیبی، مانده‌سادات و همکاران (۱۳۸۹)، «اعتباریابی مقیاس هوش معنوی کینگ در دانشجویان دانشگاه اصفهان»، دستاوردهای روان‌شناختی، دوره ۴، ش ۱، ص ۱۴۱-۱۶۴.
۸. سلیمانی، اسماعیل و همکاران (۱۳۹۴)، «اثر بخشی هوش معنوی بر کیفیت زندگی و شادکامی دانشجویان تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (علیه السلام)»، فرهنگ در دانشگاه اسلامی، س ۵، ش ۴، ص ۵۳۸-۵۵۸.
۹. سهرابی، فرامرز (۱۳۹۶)، «هوش معنوی از منظر قرآن و روایات»، پژوهش‌نامه معارف قرآنی، سال ۸، ش ۳۰، ص ۲۹-۵۵.
۱۰. سهرابی، فرامرز و اسماعیل ناصری (۱۳۸۹)، «بررسی مفهوم و مؤلفه‌های هوش معنوی»، پژوهش در سلامت روان‌شناختی، دوره ۳، ش ۴، ص ۶۹-۷۶.
۱۱. شافعی‌پور، ایوب (۱۳۹۷)، «بررسی واژه اعتصام در تفاسیر قرآنی فریقین و ثمرات آن در ایجاد وحدت و نفی تفرقه با تأکید بر اعتصام به حبل‌الله»، حبل‌المتین، دوره ۷، ش ۲۴، ص ۱۱-۲۱.

۱۲. ضمیری نژاد، سمیه و همکاران (۱۳۹۲)، «پیش‌بینی شادکامی دانشجویان براساس هوش معنوی»، فصلنامه دانشگاه علوم پزشکی سبزووار (اسرار)، دوره ۲۰، ش ۵ (ویژه نامه)، ص ۷۷۳-۷۸۱.
۱۳. عسگری، مه‌رانا؛ علیرضا حیدری و پرویز عسگری (۱۳۹۴)، «رابطه هوش معنوی و جهت‌گیری مذهبی با بهزیستی روان‌شناختی و اضطراب وجودی در دانشجویان»، پژوهش در نظام‌های آموزشی، س ۹، ش ۳۱، ص ۱۶۳-۱۹۰.
۱۴. غباری بناب، باقر؛ محمد سلیمی و ثنا نوری مقدم (۱۳۸۶)، «هوش معنوی»، اندیشه نوین دینی، س ۳، ش ۱۰، ص ۱۲۵-۱۴۷.
۱۵. متقی، علی بن حسام‌الدین (۱۴۰۵ق)، *کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال*، ج ۱، بیروت: نشر مؤسسه الرساله.
۱۶. مجلسی، محمدباقر (۱۳۶۰)، *بحار الانوار*، ترجمه موسی خسروی و دیگران، ج ۱۵، تهران: نشر اسلامیه.
۱۷. موسوی، سیدحسین؛ محسن طالب‌زاده نوبریان و غلامرضا شمس مورکانی (۱۳۹۰)، «بررسی رابطه هوش معنوی و رفتار شهروندی سازمانی معلمان دبیرستان‌های شهرستان زنجان»، روان‌شناسی تربیتی، دوره ۷، ش ۲۲، ص ۶۵-۹۴.
۱۸. میکائیلی منیع، فرزانه؛ زینب بابایی و محمد حسنی (۱۳۹۵)، «بررسی رابطه دینداری، هوش معنوی و بخشش با سازگاری اجتماعی در دانشجویان سال اول»، روان‌شناسی و دین، س ۹، ش ۱، پیاپی ۳۳، ص ۱۲۳-۱۴۲.
۱۹. نوذری، ژاله (۱۳۹۵)، «بررسی رابطه بین هوش معنوی، تاب‌آوری و همدلی در دانشجویان دختر دانشگاه محقق اردبیلی»، مجموعه مقالات سومین کنفرانس بین‌المللی روان‌شناسی، علوم تربیتی و سبک زندگی، دانشگاه تربت حیدریه.
۲۰. وزیر، علیرضا (۱۳۹۱)، «وحدت‌گرایی در سیره معصومان»، ماهنامه مبلغان، ش ۱۶۲، ص ۴۰-۴۹.
۲۱. یعقوبی، ابوالقاسم (۱۳۸۹)، «بررسی رابطه هوش معنوی با میزان شادکامی دانشجویان دانشگاه بوعلی همدان»، پژوهش در نظام‌های آموزشی، دوره ۴، ش ۹، ص ۸۵-۹۵.
22. Amram, Joseph (Yosi), (2005), *Intelligence Beyond IQ: The contribution of emotional and spiritual intelligences to effective business leadership*, Institute of Transpersonal Psychology.

23. King, D.B, (2008), Rethinking claims of spiritual intelligence: A definition, model, and measure. Unpublished Master's Thesis, Trent University, Peterborough, Ontario, Canada.
24. Nasel, D. D. ,(2004), *Spiritual Orientation in Relation to Spiritual Intelligence: A consideration of traditional Christianity and New Age/individualistic spirituality*; Unpublished thesis. Australia: The university of south Australia.
25. Sisk, D. (2008), *Engaging the Intelligence of Gifted Students to Build Global Awareness in the Classroom*. Academic Research Library.
26. Smith, S,(2004),"Exploring the interaction of emotional intelligence and spirituality", *Traumatology*, v. 10, p. 231-243.
27. Vaughan, F. ,(2003), "What is spiritual intelligence?", *Journal of humanistic psychology*. 42,(2) :16-33.